



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

تحقق توسعه اقتصادی از دیدگاه امام علی (ع) با تأکید بر نهج البلاغه

حمید رضائی^۱، سهراب اسلامی^{۲*}، حسین خسروی^۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. استادیار گروه معارف، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۳. استادیار گروه معارف، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: توسعه اقتصادی دغدغه همه مکاتب و نظام‌های سیاسی است. با توجه به اهمیت توسعه اقتصادی، پژوهش حاضر به بررسی تحقق آن از دیدگاه امام علی (ع) است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع بنیادی و شیوه گردآوری اطلاعات با استناد به منابع فقهی و نهج البلاغه انجام شده است. شیوه تحلیل داده‌ها نیز استنباطی است.

یافته‌ها: تحقق توسعه اقتصادی نیازمند توأمانی نظر و عمل است که در سیره امام علی (ع) به صورت رفع فقر و محرومیت، عدالت‌ورزی، کار و تلاش و توسعه انسانی و اخلاقی جامعه است. توسعه زمانی می‌تواند الگویی برای همگان باشد که ابعاد معنوی و الهی زندگی انسانی را ارتقا ببخشد و اهداف دنیوی را در تقابل با اهداف معنوی انسانی قرار ندهد. این موضوع در نهج البلاغه به عنوان الگوی توسعه اقتصادی نمایان است.

ملاحظات اخلاقی: نگارش مقاله حاضر با در نظر گرفتن اصول دقیق و علمی جهت بهره‌گیری از منابع انجام شده است.

نتیجه‌گیری: توسعه از دیدگاه امام علی (ع) معطوف به سعادت دنیوی و اخروی است. کار و تلاش از نظر کیفیت دارای اهمیت فراوانی است. عدالت‌ورزی و رفع محرومیت‌ها و ایجاد رفاه و برابری برای همگان، محورهای تحقق توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۹-۱۳۳

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴

واژگان کلیدی:

توسعه، توسعه اقتصادی، امام علی (ع)، نهج البلاغه.

نویسنده مسؤول:

سهراب اسلامی

آدرس پستی:

ایران، اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، دانشکده علوم انسانی، گروه معارف.

تلفن:

۰۹۱۸۳۶۶۶۳۹۷

کد ارکید:

0000-0001-7039-5819

پست الکترونیک:

s-eslami@iau-arak.ac.ir

۱. مقدمه

الگوهای توسعه اقتصادی متعدد و متنوع هستند. از جهت بررسی اصول، قواعد، منابع و مبانی مکاتب توسعه اقتصادی می‌توان طیف گسترده‌ای از الگوهای توسعه اقتصادی را در جهان مشاهده نمود که هر یک از آنان به دنبال محقق کردن اهداف خود هستند و طیف و یا گروه خاصی را در رأس می‌نشانند. به عنوان مثال در مکاتب شناخته شده‌ای نظیر لیبرالیسم، توسعه اقتصادی زمانی محقق می‌شود که کسی حق دخالت در مالکیت، زندگی خصوصی و مداخله در ثروت دیگری را ندارد. در توسعه اقتصادی لیبرالی، حقوق طبیعی موردنظر لاک مجسم‌کننده شرایطی‌اند که ما به منظور محافظت و نگهداری از زندگی خود، در لوای قوانین طبیعی اعطا شده از سوی خداوند به ما، به آنها نیاز داریم. در لوای این قوانین، ما از حق آزادی و حق تحصیل مالکیت، که هیچ‌کس نمی‌تواند در آن مداخله کند، برخوردار می‌شویم (گری، ۱۳۸۷، ۲۱). در نهایت اینکه در توسعه اقتصادی لیبرالی، ملاک، حفاظت از سرمایه خصوصی افراد است و قوانین در نهایت به نفع طبقه سرمایه‌دار عمل می‌نماید. اطلاق اصطلاح توسعه اقتصادی سرمایه‌داری گویای شرایط حاکم بر این مکتب است. از طرفی دیگر، در مکتب مارکسیسم و یا طرفداران توسعه اقتصادی سوسیالیستی، شرایط معکوس است و با دفاع از مالکیت دولتی و مداخله در بازار، سرمایه‌داری خصوصی را عامل نابودی شرایط زندگی بشر معرفی می‌کنند. در شکل توسعه اقتصادی منبعث از مارکسیسم و یا موارد

نزدیک‌تر به آن یعنی دولت رفاه، دخالت فعال دولت به منظور تأمین رفاه اقتصادی و آسایش اجتماعی همه افراد، ضرورت اجتناب‌ناپذیر خواهد داشت (هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۹۹).

اما در اسلام و مکتب توسعه اقتصادی اسلام، شرایط متفاوت است و با رد دو ادعای فوق، اقتصاد را نه هدفی ذاتی، بلکه ابزاری برای سامان‌بخشی به زندگی بشری می‌دانند. معنویت و تمسک به تحقق احکام شریعت و استخراج مبانی توسعه اقتصادی از دل متون دینی و احکام شریعت، وجه ممیزه توسعه اقتصادی اسلامی با سایر مکاتب است. از جمله منابع مهم و اثرگذاری که در این زمینه بدان استناد می‌شود، نهج‌البلاغه است. زیرا در این کتاب ارزشمند، سیره عملی حضرت علی (ع) و همچنین راهکارهای مؤثر برای بهبود شرایط مادی زندگی انسانی برای نیل سعادت اخروی مطرح شده است. اصول و ملاک‌ها نیز در این کتاب ارزشمند مطرح شده است و برای جست و جوی توسعه اقتصادی اسلامی، از منظر مختلف به این کتاب استناد می‌گردد.

با در نظر داشتن اهمیت نهج‌البلاغه در جهت تشریح توسعه اقتصادی در اسلام، پژوهش حاضر این هدف را دنبال می‌کند: محقق شدن توسعه اقتصادی اسلامی از منظر امیر مؤمنان، حضرت علی (ع)، که بیش از همه در کتاب نهج‌البلاغه مطرح شده است. از نظر نوآوری نیز پژوهش حاضر از دو منظر سلبی و ایجابی نسبت به تشریح ابعاد توسعه اقتصادی، نیازهای و ملازمات توسعه از نظر امام علی (ع) و همچنین تشریح تجارب تاریخی و سیره

عملی ایشان پرداخته است. بنابراین محقق شدن الگوی توسعه اقتصادی در اسلام را در چارچوب اصول و اهداف نظری و عملی به صورت توأمان در نظر می‌گیرد.

با توجه به این هدف، سؤال پژوهش این است که محقق شدن الگوی توسعه اقتصادی در اسلام در دیدگاه امام اول شیعیان و از جمله در کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه شامل چه مواردی است؟ بر مبنای این سؤال، فرضیه مطرح شده این است که الگوی توسعه اقتصادی مطرح شده از سوی حضرت علی (ع)، ابعاد مختلفی نظیر عدالت، فقرزدایی، تلاش و کوشش و معنویت‌گرایی را ملاک قرار می‌دهد که نیازهای ضروری دوران معاصر نیز هستند.

در پژوهش‌های مختلفی، بحث توسعه اقتصادی و استخراج مبانی و مؤلفه‌های آن از دیدگاه امام علی (ع) مطرح شده است که از جمله در مقاله عیسوی و همکاران (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی توسعه اقتصادی متعارف و دیدگاه امام علی (ع) چنین نتیجه گرفته شد که هدف توسعه کنونی ترویج لذت، ثروت و ایجاد رقابت برای مصرف است، اما توسعه در دیدگاه امام علی (ع) به دنبال فراهم کردن شرایط برای تحقق سعادت انسانی است. از این منظر، توسعه علوی، معنویت‌محور است. در مقاله مولایی (۱۳۹۲) با عنوان آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع) در نهج‌البلاغه نیز محورهای اقتصادی مدنظر حکومت علوی تبیین شده است. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که محقق شدن رفاه افراد جامعه، از بین بردن فقر و

جلوگیری از انباشت ثروت برای اقلیتی خاص و مبارزه با مفاسد اقتصادی از جمله محورهای اندیشه اقتصادی علوی است. در مقاله اصغری (۱۳۸۱) با عنوان «مدیریت اقتصادی امام علی (ع) تحقق بخش عدالت اجتماعی»، عدالت را شاکله مدیریت اقتصادی با توجه به سیره عملی امام علی (ع) می‌داند که جامعه معاصر تشنه عدالت است. در مقاله امام علی (ع) دولت و سیاست‌های اقتصادی (۱۳۸۰)، به بحث تضاد و تقابل دولت و بخش خصوصی در اقتصاد معاصر توجه نشان می‌دهد و با بررسی رویه عملی امام علی (ع) بدین نتیجه می‌رسد که اقتصاد مطلوب بر مبنای کار و تلاش و حمایت دولت و نظارت بر بخش‌های مختلف اجتماع قابل حصول است. دولت علوی به دنبال رفاه عمومی است و در این مسیر نباید تضادی میان منافع مردم و دولت باشد. در منابع و آثار فقهی دیگری از جمله در غررالحکم و دررالكلم (۱۴۱۴) تمیمی آمدی نیز محورهای مختلف اقتصاد در نهج‌البلاغه مورد توجه قرار گرفت. این رویکرد بیش از پیش با در نظر گرفتن روایات و احادیث و واکاوی نهج‌البلاغه انجام گرفته است. در سایر کتب از جمله در اقتصاددان اثر شهید صدر (۱۳۸۰) نیز محورهای اقتصاد اسلامی با تکیه بر اندیشه عدالت به بحث گذاشته شده است که به طور مشخص از اندیشه اقتصادی امام علی (ع) به عنوان الگوی عملی اجرایی شدن عدالت اقتصادی بحث شده است. پژوهش‌های مطرح شده می‌توانند به عنوان پیش‌درآمدی بر مبحث حاضر محسوب شوند. با این

تفاوت که در پژوهش حاضر، محورهای توسعه اقتصادی از منظر نهج البلاغه دنبال می‌شود.

۲. ملاحظات اخلاقی

نگارش مقاله حاضر با در نظر گرفتن اصول دقیق و علمی جهت بهره‌گیری از منابع انجام شده است.

۳. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع بنیادی و شیوه گردآوری اطلاعات با استناد به منابع فقهی و نهج البلاغه انجام شده است. شیوه تحلیل داده‌ها نیز استنباطی است.

۴. یافته‌ها

سیره امام علی (ع) که هم در عمل و هم در اثر گران‌بهای نهج البلاغه قابل مشاهده است، الگویی برای توسعه اقتصادی از منظر مکتب اسلام است. زیرا هم سازوکارهای اداره امور اقتصادی جامعه و هم رویکردهای اخلاقی در آن برجسته است. در بیان این جامعیت و اشراف می‌توان به یکی از فرامین امیرمؤمنان اشاره نمود. امام در ابتدای فرمان جامع حکومتی خودبه مالک اشترنخعی، چهار وظیفه مهم حکومت را برای استاندار مصر ترسیم می‌فرماید: "جبایه خراجها، و جهاد عدوها، و استصلاح اهلها، و عماره بلادها" اهداف این فرمان عبارتند از:

- ۱- وصول مالیات‌ها، ۲- جهاد با دشمنان، ۳- اصلاح امور مردم، ۴- آبادسازی شهرها.
- با توجه به این چهار اصل اساسی که در بخش اول نامه ۵۳ نهج البلاغه آمده، در جامع‌ترین فرمان امام،

بخوبی روشن می‌شود که تأمین رفاه، رسیدگی به معیشت مردم و عمران و آبادانی و بطور کلی مسائل اقتصادی از چه جایگاهی در حکومت علوی برخوردار است (ماندگار، ۱۳۸۱، ۲۶۳). به علاوه اینکه بررسی کارنامه، برنامه‌ها، دستورات، تدابیر و سیاست‌های اقتصادی امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام که جملگی منطبق با اصول و مبانی و اهداف اسلام و اقدامات نظری و عملی رسول گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم است نشان‌دهنده تلاش‌های ارزشمند آن حضرت در ابعاد بسیار گسترده اقتصاد و عزت و اقتدار و پویایی جامعه اسلامی و آرامش و رفاه و آسایش مؤمنین و مبارزه با فقر و محرومیت است. این خصایص به خوبی بنیان توسعه اقتصادی عدالت‌محور و الهی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند درس‌هایی در اختیار نسل‌های آینده قرار دهد و در راستای رشد و بالندگی جامعه اسلامی و تمدن‌سازی، تابلوی حاکمان اسلامی قرار گیرد. به عنایت به ایده‌های مختلف اقتصادی استخراج شده از نهج البلاغه است که می‌توان گفت توسعه اقتصادی اسلام در برگیرنده تمامی ابعاد وجودی انسان اعم از دنیوی و اخروی و پاسخگوی نیازهای جامعه بشری و سرچشمه حیات طیبه انسانی و باعث تعالی و تکامل و معاش و معاد و بستر آرامش و امنیت و عدالت و پرهیز از اختلافات طبقاتی و بی‌عدالتی و تبعیض در همه زمینه‌ها می‌باشد. مراجعه به آیات قرآن کریم و نهج البلاغه و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام جامعیت این دین نورانی را نشان می‌دهد. یکی از محورهای عمیقی که حضرت علی

علیه السلام در جبهه اقتصادی همواره تأکید و خود نیز عمل کرده و جامعه را نیز بدان تأدیب می نمود آداب عمیق اسلامی و دینی و اخلاقی و اسلامی بوده است. محور دیگر، برقراری عدالت به عنوان نشانه و معرف اصلی توسعه اقتصادی اسلامی است. فقرزدایی و ریشه کن کردن آن، مبارزه با استثمارگران و نفی امتیازات قومی و طبقاتی و در یک کلام عدالت و اخلاق برای همه به عنوان شاکله نظام اقتصادی و توسعه اقتصادی در اسلام به شمار می رود.

۵. بحث

۵-۱. معنویت و انگیزه الهی مبنای توسعه

علوی

مبنای آغازین توسعه در نزد امام علی (ع)، عدم دلبستگی به دنیا و نفی هدف بودن توسعه و پیشرفت است. این موضوع به خوبی در یکی از خطبه ها خود را نشان می دهد. امام علی (ع) با انداز و بیدار کردن مردم چنین بیان می دارد: «ای دنیا از من دور شو، و خود را به من ننمایان. آیا درصدد آنی که در دل و جان من برای خود جایگاهی بیابی؟! هرگز چنین چیزی ممکن نیست غیر مرا بفریب زیرا که من نیازمند تونیستم، و بین من و تو هیچ راه بازگشتی نیست» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه جعفر دشتی، حکمت ۷۷). در این دیدگاه از توسعه اقتصادی، اصل ابزاری بودن توسعه برداشت می شود که به خوبی در حدیث «الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ» «دنیا کشتزار آخرت است» (دیلمی، ۱۳۷۱، ۱۶۹)، نمایان است. بنابراین

توسعه اسلامی و مدنظر امام علی (ع) هرگز هدفی غایی و نهایی به شمار نمی رود. بنابراین جنبه های معنوی و خودسازی در الگوی توسعه اقتصادی مدنظر امام علی (ع) به عنوان یک مؤلفه اساسی مورد توجه است.

تدابیر و سیاست های اقتصادی حضرت علی علیه السلام با تأکید بر خطبه ها و نامه ها و کلمات قصار در نهج البلاغه و سیره و سنت و استنادات و آثار به جا مانده از عصر علوی بیانگر این مطلب است که در مسائل اقتصادی نیز همچون تمامی عرصه ها هدف و انگیزه های آن حضرت، الهی و در جهت ارائه الگو و شاخص هایی شایسته و بایسته از اسلام و قرآن برای همه آزاداندیشان و حقیقت جویان عالم و چراغ روشن برای مومنان می باشد. در این باره از حضرت علی (ع) نقل شده که می فرمایند: اجْعَلُوا عِبَادَ اللَّهِ - اجْتِهَادَكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا التَّزَوُّدَ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ؛ فَإِنَّهَا دَارُ عَمَلٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ وَ الْجَزَاءُ؛ بندگان خدا! بکوشید تا از چند روزه دنیا برای آخرت که دوره اش دراز و طولانی است، توشه بگیرید؛ چه، دنیا سرای عمل است و آخرت سرای بقا و جزا (کلینی، ۱۴۰۷، ۸، ۱۹۴-۱۷۴). یا اینکه در خطبه ای دیگر، حضرت علی (ع) بر باقی بودن دنیای دیگر و فانی بودن دنیای مادیات تأکید می کنند: «إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرٍ كَمَلِمَقَرَّكُمْ؛ همانا دنیا سرای گذر است و آخرت سرای ماندن؛ پس، از گذرگاه خود برای اقامتگاهتان توشه بگیرید (نهج البلاغه، ترجمه جعفر دشتی، ۱۳۷۹، خطبه ۲۰۳).

از خصائص توسعه اقتصادی علوی آن است که خودسازی و معنویت را در رأس می‌نشانند و امور مادی را تنها به عنوان نیازها و دغدغه‌های گذرا در نظر می‌گیرد. توسعه و گسترش اموال به دو صورت است: یک وقت هدف از ازدیاد ثروت حفظ آبرو، خدمت به دیگران و انجام نیکی‌هاست، چنین توسعه‌ای هرگز مذمت نشده، بلکه مورد تشویق قرار گرفته است، ولی اگر هدف حرص، لذت‌پرستی، جاه، شهوت و... باشد، چنین توسعه و ازدیاد ثروتی از نظر اسلام و خردمندان مورد مذمت و نکوهش است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «یتنافسون فی دنیا دنیه و یتکالبون علی جیفه مریحه؛ در به دست آوردن دنیای پست از هم سبقت می‌گیرند و بر سر مردار متعفن با هم به نزاع می‌پردازند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۵۱). بنابراین توسعه اقتصادی در مکتب حضرت علی (ع)، گامی فراتر از احصاء شدن در امور دنیوی و مادی است. گذرا بودن امور دنیوی و تلاش برای کسب معنویت، خصیصه آغازین توسعه اقتصادی علوی است. حضرت علی (ع) در این باره فرموده‌اند: «إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى، لَا يُبْصَرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئًا وَالْبَصِيرُ يَنْفُذُهَا بَصَرُهُ وَ يَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا، فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ وَ الْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ وَ الْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ وَ الْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ؛ همانا دنیا آخرین دیدرس انسان کور است و فراتر از آن را نمی‌بیند، اما شخص بینا و با بصیرت نگاهش را از دنیا فراتر می‌برد و می‌داند که سرای حقیقی در ورای این دنیا است. پس بینا از دنیا دل برکند و کور به آن روی آورد. شخص با بصیرت از آن توشه بر

می‌دارد و کور برای آن توشه فراهم می‌آورد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه جعفر دشتی، خطبه ۱۳۳). بر این اساس، هم‌چنانکه در اسلام به رشد و تکامل معنوی توجه شده، به گسترش زمینه‌های اقتصادی نیز تأکید شده است، چون معنویت و مادیت با یکدیگر عجین شده‌اند. فرهنگ و معنویت یک جامعه، می‌تواند زمینه رفاه و رشد اقتصادی آن را فراهم کند، هم‌چنانکه رشد و رفاه اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز تعالی فرهنگ و معنویت باشد. باید توجه داشت که اسلام در نهایت رشد اقتصادی را وسیله شکوفایی استعداد و شخصیت معنوی انسان می‌داند.

۵-۲. ریشه کردن نمودن فقر و ترویج رزق

حلال

یکی از اصول توسعه اقتصادی در اسلام این است که همواره بر کار و کوشش برای استقلال اقتصادی توصیه و تأکید و از اظهار احتیاج و فقر نهی شده است (حر عاملی، ۱۴۱۶، ۳۱۱). بنابراین یکی از عمده مسائل حساس و هم در توسعه اقتصادی در اسلام، دور شدن از مفاهیمی نظیر رزق و عدم فهم واقعی معیشت انسانی می‌باشد. فقر در اسلام به طور مشخص، ناتوانی انسان در برابر خدای متعال است، اما در امور اقتصادی، رفع نیازهای اساسی و انسانی و مقدمه‌ای برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی است. بنابراین رفع فقر اهمیت دارد. در تقابل با فقر، ترویج روزی و رزق حلال دارای اهمیت فراوانی است. خداوند در آیه ۶ سوره مبارک هود می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى

اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ^۱ رزق به معنی عطاء و بخشش مستمر است، و از آنجا که روزی الهی عطای مستمر او به موجودات است به آن رزق گفته می‌شود. این نکته نیز لازم به تذکر است که مفهوم آن تنها در نیازهای مادی خلاصه نمی‌شود بلکه هرگونه عطای مادی و معنوی را شامل می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۶).

با غور و تفحص در آیه شریف می‌توان گفت کلمه «دابه» به طوری که در کتب لغت آمده به معنای هر موجودی است که حرکتی هرچند اندک داشته باشد، و بیشتر در نوع خاصی از جنبندگان استعمال می‌شود، اما قرینه مقام آیه اقتضاء دارد که عموم منظور باشد. بنابراین این آیه بیان می‌کند که کل جنبنده‌هایی که در زمین هستند رزقشان بر عهده خدای تعالی است پس خدای تعالی دانا و باخبر از احوال آنها است هر جا که باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۲۰). همچنین خداوند در آیه ۳۱ از سوره مبارکه اسراء می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمَّا لَقَاحُ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانِ خَطَاً كَبِيراً»^۲

این آیه بیان می‌کند که توسعه دادن در روزی و تنگ گرفتن آن دست خداوند متعال است و هر کسی را به اقتضای حالات ظاهری و نیت باطنی او روزی داده و وسعت و محدود می‌کند در نتیجه فرمودند که اولاد و بچه‌های خودتان را از فشار

تنگدستی و فقر نکشید، و توجه داشته باشید که ما روزی آنها و شما را داده و تأمین می‌کنیم (مصطفوی، ۱۳۸۰، ۱۸۶).

بنابراین توسعه اقتصادی مطلوب در مکتب علی (ع) به نحوی نیست که برای رفع فقر و مشکلات روزمره، اقدام به «فرزندکشی» نمود. راه حل اساسی در کار و تلاش و بهره‌مندی از شیوه‌های مشروع اقتصادی برای کسب روزی حلال است. با این حال، رفع فقر و مشکلات ناشی از آن بسیار حائز اهمیت است. تحقق توسعه اقتصادی زمانی قابل حصول است که بتوان به صورت ریشه‌ای و بنیادین، فقر را از ساحت جامعه زدود. در این باره از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است که فرموده است: «كاد الفقر ان يَكُونُ كَفْرًا». «وقتی فقر می‌آید کفر را نیز با خود می‌آورد» (متقی هندی، ۱۳۸۹، ۶، ۴۹۲). در همین راستا، در نهج‌البلاغه، فقرزدایی یکی از مسائلی است که برای تحقق توسعه اقتصادی نیازمند توجه جدی به آن هستیم. در حکمت ۱۶۳ نهج‌البلاغه چنین بیان شده است: «الفقر الموت الاكبر - فقر، بزرگترین مرگ‌هاست». این رویه بدان معناست که محرومیت‌زدایی و دستگیری از مستمندان، یکی از اهداف توسعه اقتصادی است و در صورت نادیده گرفتن این رویه، نمی‌توان توسعه اقتصادی بر آن نهاد. همچنین در این باره محورهای تلاش به محرومان را به فعالیت‌های اقتصادی توانگران نیز مرتبط می‌دانند.

^۲ ترجمه آیه: و فرزندانان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها را روزی می‌دهیم مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است!

^۱ ترجمه آیه: هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است.

امیر مؤمنان در یکی از حکمت‌های پندآموز چنین می‌فرماید: ان الله سبحانه فرض فی اموال الاغنیاء اقوات الفقراء، فمجاج فقیراً الا بمأتمّع به غنی، والله تعالی سألهم عن ذالک. «همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است. پس هیچ فقری گرسنه نمی‌ماند جز به بهای کامیابی توانگران؛ و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۳۲۸).

بدین ترتیب با در نظر گرفتن رفع فقر در جامعه و توجه به رزق و روزی حلال، یکی از ابزارهای ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی زدودن فقر و آثار آن از جامعه است. به همین سبب از دیدگاه امام علی (ع) تمامی افراد جامعه مسلمانان و غیرمسلمانان باید در تأمین نیازهای اولیه معیشت خویش در وضعیت اقتصادی مطلوب و مناسب شرافت و کرامت انسانی خود باشند و رفاه عمومی در جامعه برقرار گردد.

حضرت علی (ع) در زمانی که خلافت را عهده‌دار شد، مبارزه گسترده‌ای را با فقر آغاز کرد. بر مبنای دیدگاه عدالت‌محورانه ایشان، در شرایط نابرابر، محرومین احساس حقارت کرده و شخصیت آنان لکه‌دار می‌شود و موجب تقلید کورکورانه آنان می‌گردد. به گونه‌ای که در خطبه ۲۲۵ صفحه ۴۶۱ فرمود: "خدایا آبرویم را با بی‌نیازی نگهدار و با تنگدستی شخصیت مرا لکه‌دار مفرما" و همچنین در حکمت ۱۶۳ صفحه ۶۶۴ ترجمه دشتی فرمود: "الفقر الموت الاکبر: فقر، مرگ بزرگ است. و به فرزندش محمدابن حنفیه فرمود: "ای فرزند من از دیو پلید فقر بر تو می‌ترسم. از فقر به خداپناه ببر،

که همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است." به همین سبب آثار مخرب فقر در جامعه، علی (ع) نه تنها در گفتار، بلکه در عمل، فقر و محرومیت‌زدایی را در برنامه اصلاحات اجتماعی خود پیاده کرد. آنگونه که فرمودند: «کسی در کوفه نیست که در رفاه بسر نبرد؛ حتی طبقات پایین نان گندم می‌خورند و سرپناه دارند» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۷، ۹۹).

در عرصه عمل نیز فقرزدایی نه تنها اختصاص به مرکز خلافت داشت، بلکه علی (ع) به همه فرمانداران خود دستور داده بود از اموال بیت‌المال در اختیار عائله‌مندان و نیازمندان و تهی‌دستان قرار دهند و اضافه آن را به نزد آن حضرت بفرستند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه دشتی، نامه ۶۷، ۶۰۸). ایشان همچنین می‌فرماید: «خدا را درباره طبقه محروم از تنگدستان و نیازمندان و بینوایان و زمین‌گیران که در میان آنان هم افراد قانع و هم سائل هست، پاسدار حقی را که خداوند برای آنان، نگهبانی‌اش را به تو سپرده است؛ بخشی از بیت‌المال را به آنان اختصاص بده. مبادا فرو رفتن در نعمت، تو را از آنان باز دارد (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۵۳، ۵۲۸). بدین‌سان علی (ع) عدالت اقتصادی را با پیاده کردن رفاه عمومی و فقرزدایی و توازن اقتصادی و عدم تمرکز ثروت در دوران خلافت خود برقرار کرد (منتظر القائم، ۱۳۸۵، ۵۸-۵۷). مؤلفه‌های مذکور همگی نشانگر ابعاد توسعه اقتصادی و راهکارهای تحقق آن در جامعه اسلامی محسوب می‌شوند. زیرا امروزه بحث اصلی در توسعه اقتصادی و الگوهای توسعه، رفع فقر و محرومیت،

برنامه اجرایی برای پیاده کردن عدالت، کاهش شکاف طبقاتی، رفع معضلات اقتصادی و اجتماعی و تلاش برای ایجاد رفاه برای بخش‌های مختلف جامعه است. این رویکرد هم به لحاظ عملی و هم به صورت الگویی ترسیم شده در نهج‌البلاغه آشکار است.

۵-۳. عدالت؛ محور توسعه اقتصادی در جامعه

عدالت پیش‌نیاز و شرط لازم برای تحقق توسعه اقتصادی به شمار می‌رود (ابدی و همکاران، ۱۳۹۵، ۷۵-۷۶). این ویژگی مخصوصاً در توسعه اقتصاد اسلام و مکتب امام علی (ع)، برجسته و نمایان است. بنابراین تصور توسعه اقتصادی از نظر امام علی (ع) بدون در نظر گرفتن عدالت اجتماعی و سازوکارهای تحقق آن، عبث و نافرجام است. زیرا حکومت عدل علی، شاخصه اصلی برای معرفی اقتصاد مورد نظر مکتب اسلام است. روایات متعددی که همگی ناشی از سیره عملی حضرت علی (ع) در راه برقراری عدالت و گسترش چتر عدالت برای همه اقشار جامعه است، نشان‌دهنده اهمیت موضوع عدالت در نزد امام بزرگوار است. نقل شده است که علی (ع) برای رونق اقتصادی و بکارگیری اموال برای رفاه و آسایش مردم از جمع‌آوری آنها در خزانه دولت خودداری می‌کرد و روزهای جمعه بیت‌المال را پاک می‌کرد و آن را با آب می‌شست. سپس دو رکعت نماز در آن می‌گذازد و می‌گفت: روز قیامت برای من گواهی دهید (ثقفی، ۱۳۷۴، ۳۱).

به لحاظ عملی نیز، یکی از محورهای تمایز حکومت‌داری حضرت علی (ع) در مقایسه با حکومت سایر خلفا این بوده است که «عدالت» خصیصه جدایی‌ناپذیر دوران امامت حضرت علی (ع) بوده است. توضیح اینکه در آن زمان، خلیفه دوم، دیوان را براساس سوابق اسلامی افراد و ترکیب قبیله‌ای قرار داده بود. قریش بر غیرقریش، مهاجر بر انصار، عرب بر غیرعرب و موالی ترجیح داشتند؛ در حالی که در زمان پیامبر (ص) بدین صورت نبود. این رویه در کنار بخشش‌های عثمان، فاصله فقیر و غنی را غیرقابل تحمل کرد. خمس غنائم، مالیات و جزیه سرزمین‌های فتح شده که به همه مردم تحمل داشت، تنها در اختیار افراد و گروه‌های خاص قرار می‌گرفت (نصیری، ۱۳۹۲، ۲۳۶). و طیف زیادی از مردم آن زمان از خدمات و منافع حاصل از درآمدهای حکومت بی‌بهره بودند. براساس منابع و اسناد تاریخی، عثمان خلیفه سوم مسلمین، یک پنجم غنائم آفریقا را -حدود ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار دینار- به مروان بخشید. به ابوسفیان که یکی از متنفذین آن زمان بود، هدایای ۲۰۰ هزار درهمی اعطا کرد. یک هشتم ثروت عبدالرحمن ابن عوف (برادرخوانده و داماد عثمان) پس از مرگش میان چهار همسرش تقسیم شد و به هریک هشتاد هزار دینار رسید (البلاذری، ۱۳۹۷، ۵۵-۵۲). در این صورت، احساس بی‌عدالتی و حتی نمود عینی سیاست‌های خلفا در راستای سلطه عده‌ای بر عده دیگر و نادیده گرفتن محرومان بوده است. بدیهی است که پرچم‌داری عدالت توسط علی (ع) و مبنا

قرار گرفتن برابری همگان، نمی‌توانست نظر مساعد سلطه‌طلبان را در پی داشته باشد.

امام علی (ع) در سخنرانی نخست خود، سیاست‌های مالی برگرفته از سیره پیامبر را مطرح کردند. برتری مهاجر و انصار بر دیگران را معنوی خواند و فرمودند: هرکه دعوت خدا و رسول را بپذیرد و به قبله مسلمانان نماز گزارد، از تمامی حقوق بهره‌مند می‌شود و حدود اسلام درباره همه اجرا خواهد شد. مخالفت‌ها از همین جا آغاز شد و امام در برابر افراد معترض به این روش، که به سنت عمر استناد می‌کردند، فرمود: آیا روش و سنت پیامبر خدا شایسته پیروی است یا روش عمر! (ابن حیون، ۱۳۴۲، ۱، ۳۸۴). بنابراین از همان آغاز، عدالت و شایسته‌سالاری، محور اداره جامعه و شاخصی برای توسعه اقتصادی در اسلام و از جمله در نزد شیعیان مطرح شد. از منظر تاریخی نیز بسیاری از مورخان بر این باور بودند که علت جدا شدن برخی اعراب از امام علی (ع) و پیوستن به صف مخالفان این بود که می‌گفتند: علی در تقسیم اموال ملاحظه اشراف را نمی‌کند و عرب را بر عجم و موالی آنها برتری نمی‌دهد (یعقوبی، ۱۹۶۰، ۲، ۱۸۳). این رویه به طور مشخص هم نشانگر اهمیت عدالت در تنظیم مناسبات اقتصادی و هم نشانه‌ای برای معرفی الگوی توسعه اقتصادی در جامعه اسلامی است که بدون در نظر گرفتن ملاحظات فردی، قومی و قبیله‌ای، عدالت و شایستگی را مبنای تقسیم مواهب اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دهد.

بر مبنای عدالت اقتصادی به عنوان شاخصه اصلی حکومت‌داری در نزد امام علی (ع) است که نسبت به تقسیم برابر ثروت‌های عمومی اقدام و توصیه شده است. چنانچه شواهد تاریخی نشان می‌دهند که نامه امیرمؤمنان به مثنی‌بن هبیره شیبانی، کار گزارش در منطقه اردشیرخره (از سرزمین‌های فارس که اردشیر بابکان آن را بنا کرد و شیراز و کازرون بخشی از آن بود. علی (ع) در نامه ۴۳ نهج‌البلاغه خطاب به او فرمودند: بدان مسلمانانی که نزد تو و ما بسر می‌برند، حقشان از این غنائم یکسان است. (برای گرفتن آن) نزد تو می‌آیند و باز می‌گردند. همچنین در نامه ۷۰ نهج‌البلاغه حضرت می‌فرمایند: (درباره گروهی از مردم مدینه که به معاویه پیوستند)، عدالت را شناختند و دیدند و شنیدند و آن را دریافتند و دانستند که مردم، نزد ما در حق برابرند. اما گریختند به سوی برتری‌جویی و امتیازطلبی. پس دور باشند از رحمت خدا!

بر همین مبنا است که در بیان توسعه اقتصادی مدنظر امام علی (ع) می‌توان گفت که دلیل پذیرفتن خلافت از سوی امام علی (ع) این بود که می‌فرمایند: «اگر گردآمدن مردم نبود، و اگر نبود که با اعلام نصرت مردم، بر من اتمام حجت شد و اگر نبود که خداوند از دانایان پیمان گرفته آن‌جا که مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی پرخور که از بس خورده‌اند، "ترش" کرده‌اند و گروهی گرسنه و محروم. اگر این‌ها نبود، من افسار مرکب خلافت را روی شانه‌اش می‌انداختم و رهایش می‌کردم و کاری به کارش نداشتم» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه جعفر دشتی، خطبه ۳،

۱۱). بنابراین عدالت یکی از اساسی‌ترین اصول در توسعه اقتصادی علوی و اسلامی است که رعایت نکردن آن، موجب ظلم است و توجه به آن یعنی توجه به اموری که خداوند سفارش نموده است و آن چیزی جز عدالت و توسعه عدالت‌محور برای همگان نیست. توسعه اقتصادی بدون چشیدن ثمره عدالت برای همگان، توسعه‌ای نامتوازن و در راستای منافع خاص فردی و گروهی قرار می‌گیرد و هرگز مقبول توسعه اسلامی و علوی نیست.

۴-۵. تلاش و کوشش؛ محور توسعه اقتصادی

و کسب ثروت

توسعه اقتصادی بدون انجام فعالیت مولد و رونق کسب و کار برای آحاد مردم امکان‌پذیر نیست. امام علی علیه السلام فرمودند: «لَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى كَدِّهِ صَبَرَ عَلَى الْإِفْلَاسِ». «هرکس بر رنج کسب و کار صبر نکند، باید رنج نداری را تحمل کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، ۴۵۱). بنابراین تلاش و جهاد کاری عامل رستگاری اوست و تنبلی و فروافتادگی عامل رنج انسان است. از این منظر، توسعه پویا و هدفمند نیازمند تلاش و کوشش انسانی و بدون حرکت و فعالیت مؤثر اقتصادی، توسعه امری بی‌معناست. در همین راستا، امام علی (ع) فرمودند: «ساعات (زندگی) دیندار سه بخش است؛ در بخشی با پروردگارش راز و نیاز می‌کند؛ در بخشی دیگر به زندگی‌اش سامان دهد؛ و بخشی دیگر را در خوشی‌های حلال و شایسته می‌گذراند (محمدری شهری، ۱۳۸۲، ۷۶). قسم اخیر در واقع شاکله سامان‌بخشی به نظام اقتصادی جامعه است که

ممکن است در خانواده، روستا، شهر و یا در نهادهای اقتصادی باشد. از این منظر، کار و تلاش، پایه اصلی توسعه اقتصادی از منظر امیر مؤمنان در نظر گرفته می‌شود. این رویه به خوبی در تعبیر امام علی (ع) نمایان است که می‌فرمایند: «سزاوار نیست که خردمند جز در یکی از این حالت‌ها باشد ساماندهی زندگی، گام برداشتن برای آخرت و یا خوشی‌های حلال» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۰).

با ترویج کار و تلاش در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، توسعه مبتنی بر تولید و توانایی‌های جمعی شکل می‌گیرد. این رویه به خوبی در بیانات امیر مؤمنان آشکار است. امام علی (ع) در عهد نامه‌اش به مالک اشتر: این است آنچه را بنده خدا، علی، پیشوای مومنان، به مالک پسر حارث اشتر در عهدنامه‌اش به وی فرمان داد؛ آنگاه که او را بر حکومت مصر گمارد: گردآوری مالیات‌ها، نبرد با دشمنان، بهبود زندگی شهروندان و آبادانی شهرها. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). می‌توان گفت نخستین قدم در راه توسعه اقتصادی، کشاورزی است، زیرا تنها زمانی که آدمی در سرزمینی به قصد زراعت و ذخیره کردن برای روز مبادای خود مستقر گردد و آتیه خود را -ولو به طور نسبی- تأمین کند، فراغ خاطر و احتیاج به فرهیختگی را احساس خواهد کرد. هنگامی که آدمی در پناه چنین امنیتی از حیث آب و هوا و خوراک قرار گرفت، به فکر ساختن کلبه و معبد و مدرسه می‌افتد و پس از آن اندک‌اندک فکر ساختن و اختراع ابزارهایی را می‌کند که نیروی تولید او را افزون سازد و فرصت آن را به دست آورد تا میراث فرهنگی و اخلاقی نژاد

خویش را برای نسل‌های آینده باقی بگذارد و این به معنای توسعه همه‌جانبه در جامعه است که نقطه آغاز آن تلاش و کوشش است.

نکته مهم‌تر اینکه، تلاش و کوشش از نظر کیفیت نیز حائز اهمیت است و به عبارتی باید تلاش اقتصادی در راستای ارتقای زندگی کیفی انسان صورت گیرد. امام علی (ع) در حکمت‌های منسوب به ایشان: (به دنبال سرعت انجام کار مباش بلکه کیفیت نیکو را بجو؛ به درستی که از مردم نپرسند در چند روز کار را به پایان برده‌اند، همانا از خوبی کار سوال شوند (ابن ابی حدید، ۱۳۹۳، ۱۰۳). همچنین به نقل از ام حسن نخعی: امیرمومنان از کنارم گذشت و پرسید: ام حسن چه می‌کنی؟ گفتم ریسندگی می‌کنم. فرمود بدان که از حلال‌ترین کسب و کارها است (طوسی، ۱۳۶۵، ۳۸۲). احادیث و روایات فوق نشان می‌دهند که توسعه در اسلام و مکتب علی (ع)، امری کیفی و وابسته به شرایط و تحولات زمانی است. بنابراین اگر در آن زمان از «خوبی» کار به عنوان اصلی تعیین‌کننده سخن گفته شده و بر آن توصیه و تأکید شده است، امروزه نیز توسعه اقتصادی می‌بایست با ابتناء بر دانش و تحولات روز و امور ارزشمند دنبال شود. در غیر این صورت از قافله تغییرات عقب می‌مانیم.

با این حال، کار و تلاش مؤثر زیربنای توسعه اقتصادی در نهج‌البلاغه و سیره حضرت علی (ع) به شمار می‌رود. به همین دلیل است که امام علی (ع) می‌فرماید: «به تجارت پردازید که تجارت سبب بی‌نیازی شماست از آنچه در دست دیگران است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۴۹).

نیز نقل شده است که امام علی (ع) به بردگان آزاد شده فرمودند: (تجارت کنید خداوند به شما برکت دهد؛ به درستی که از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: روزی ده قسمت است. نه قسمت آن در تجارت است و یکی، از چیزهای دیگر) (کلینی، ۱۴۰۷، ۵، ۳۱۹). در تأیید این روایات و احادیث، نامه ۵۳ نهج‌البلاغه نیز مهر تأییدی است بر دیدگاه توسعه‌محوری علی (ع) در راستای رتق و فتق امور و مسائل زندگی انسانی. ایشان در عهدنامه‌اش به مالک اشتر می‌فرمایند: «اینک سفارش مرا در حق بازرگانان و پیشه‌وران بپذیر و درباره آنان به نیکویی سفارش کن. چه کسی که مقیم باشد یا آنکه با مال خود از این سو به آن سو رود و با دسترنج خود سود کند. که آنان مایه منفعت و پدیدآورنده اسباب آسایش و راحتی‌اند و آورنده آن از جاهای دور دست و دشوار... این بازرگانان مردمی آرامند که از دشمنی آنان هراسی نیست و آشتی جویند؛ که از فتنه آنان ترسی نیست. به کارهای آنان رسیدگی کن. چه در آنجایی باشند که خود به سر می‌بری و چه در شهرهای دیگر» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه دشتی، نامه ۵۳). فقره اخیر نشان‌دهنده ابعاد مختلف توسعه است که از تجارت سالم حاصل می‌شود. اینکه تجارت سالم باعث بهبود روابط میان افراد می‌شود و زمینه لازم برای تعامل، صلح و دوستی را فراهم می‌سازد. همچنین با ایجاد روحیه معامله‌گری و تفاهم، زمینه برای اسباب آرامش و آسایش را فراهم می‌نمایند. بنابراین ایجاد امنیت برای تجارت و ایجاد بسترهای اقتصادی لازم برای تجارت، بخش مهمی از راهکارهای دستیابی به

توسعه اقتصادی و سپس توسعه تعامل و گفت‌وگو میان انسان‌ها با یکدیگر است. آنچه در اندیشه اقتصادی امام علی (ع) و با بررسی نهج‌البلاغه استنباط می‌شود، این است که تجارت در صورتی که بر مبنای رفع نیازهای اساسی انسان و تلاش برای خودسازی، تعامل سازنده، تجارت مشروع و کسب ثروت از راه‌های حلال صورت گیرد، قابل دفاع است. توسعه اقتصادی در صورتی می‌تواند الگویی برای سایرین باشد که بتواند مشکلات اجتماعی و روابط انسانی و اجتماعی را از طریق ایجاد تعامل سازنده نیز حل نماید و گفت‌وگو، صلح و دوستی را میان روابط انسانی حاکم نماید. بنابراین الگوی اقتصادی استنباط شده از نهج‌البلاغه، الگوی مناسب برای تعامل اجتماعی میان افراد نیز می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی فرمایشات امام علی علیه‌السلام و سیره علوی بهترین شاهد و سند در جهت تحقق آرمان‌های اسلامی و پیاده کردن سیاست‌های قرآنی و احیای سیره و سنت نبوی و در یک کلام محقق شدن الگوی توسعه اقتصادی است. دستیابی به این الگو دشوار و نیازمند کنار گذاشتن ملاحظات فردی، قومی، قبیله‌ای و گروهی است. این الگوی معنوی، رفاه مادی را برای همه مردم و صرف‌نظر از گرایش‌های قومی و قبیله‌ای در نظر می‌گیرد که تجربه عملی آن نیز نشانگر همین رویه است. بدین ترتیب محقق شدن الگوی توسعه اقتصادی علوی، گام مهمی در جهت توسعه و آبادانی و عمران و

تحولات در تمامی زمینه‌ها و عرصه‌ها و تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و عدالت اجتماعی و گسترش خدمات اجتماعی و مبارزه با احتکار و اسراف و تبذیر و رشوه و اختلاس و مبارزه با بدعت‌ها و خرافات و همچنین پرهیز از تجملات و تشریفات زائد و حمایت از تولیدکنندگان و کشاورزان و صنعتگران و عناصر کارآمد و منابع و مصارف بیت‌المال مسلمین و تنظیم امور مالی و اقتصادی جامعه و ادای کامل کلیه حقوق اقشار مختلف مردم و خیرخواهی و دلسوزی مردم در تمام شرایط و صحنه‌ها و زمینه‌ها می‌باشد.

با در نظر گرفتن آنچه در عمل از امام اول شیعیان مطرح شد و آنچه در نهج‌البلاغه به عنوان سند توسعه اقتصادی اسلامی به تحلیل درآمد، نتیجه می‌گیریم سیاست‌ها و تدابیر اقتصادی مولی متقیان علی علیه‌السلام دارای ده‌ها مسأله، دستور، نکته، مولفه و موضوع قابل توجه و حکم قابل ملاحظه است که می‌تواند مبنایی برای دستیابی به عدالت، توسعه متوازن و متعادل، جلوگیری از انباشت ثروت برای اقلیتی خاص و توجه به اقشار مستضعف باشد. از این منظر، توسعه اقتصادی علوی، برخلاف آنچه در سایر الگوهای اقتصادی دنیوی که به دنبال رفع لذات دنیوی و زودگذر هستند، درصدد رفع نیازهای معنوی و رسیدن به اهداف والا تر یعنی سعادت دنیوی و اخروی است. ضمن اینکه هم از حیث بر عهده گرفتن امور اقتصادی و هم از حیث سیاست‌گذاری، ابزاری بودن قدرت سیاسی برای رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه اسلامی نیز در سیره عملی امام

علی (ع) قابل مشاهده است و هرگز برای رفع نیازهای اولیه انسانی از جمله نیازهای اقتصادی، هر وسیله‌ای توجیه نمی‌شود. این موضوع در رفع نیازهای مستمندان و خطاب قرار دادن اشراف و ثروتمندان و دوری از زد و بندهای قومی و قبیله‌ای در زمان خلافت امام علی (ع) و دستورات ایشان به مالک اشتر قابل توجه است.

۷. تقدیر و تشکر

از تمامی کسانی که در نگارش مقاله حاضر تلاش کرده‌اند، تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله حاضر به صورت مشترک و بر مبنای همکاری جمعی نسبت به نگارش مطالب اقدام نمودند.

۹. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- امام علی (ع)، نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، ترجمه جعفر دشتی، تهران، نشر پیام عدالت، ۱۳۷۹.
- ابدی، سعیدرضا، اسفندیاری فر، خشایار، جعفری، نادر، «مکاتب اقتصادی و حقوق کار (با تکیه بر اقتصاد نهادگرایی و نئوکلاسیک)»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره نوزدهم، شماره چهار، ۱۳۹۵.
- ابن ابی حدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، قم، نشر آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۹۳.
- ابن حیون، نعمان ابن محمد، دعائم الاسلام ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام، بیروت، دارالمعارف، ۱۳۴۲.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۷.
- البلاذری، احمد ابن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق شیخ محمد باقر محمودی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۷.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، ترجمه و تحقیق باقر میرعبداللہی، تهران، نشر مؤسسه فرهنگی و هنری دارالحديث، ۱۳۹۵.
- ثقفی، ابواسحاق ابراهیم، الغارات، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ویراستار عبدالرحیم ربانی شیرازی، قم، نشر آل البيت، ۱۴۱۶.
- دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، نشر شریف رضی، قم، ۱۳۷۱.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، انتشارات دارالاسلامیه، ۱۳۶۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد دو، سه و هشت، تهران، دار الكتاب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- گری، جان، لیبرالیسم، معنا و تاریخ آن، ترجمه محمد ساوجی، تهران، نشر مرکز نشر و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.
- ماندگار، محمد مهدی، خط مشی های سیاسی نهج البلاغه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- متقی هندی، علی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۸۹.
- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امیرالمومنین (ع)، جلد چهارم، ترجمه مهدی مهریزی، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۲.
- مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران، انتشارات مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

- منتظر القائم، اصغر، تاریخ امامت، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.

- نصیری، محمد، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲.

- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.

- یعقوبی، احمد ابن محمد ابن واضح، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۰.

Realization of economic development from the perspective of Imam Ali (AS) with emphasis on Nahjul Balagha

Hamid Rezaei¹, Sohrab Eslami^{2*}, Hossein Khosravi³

1. PhD Student History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Education, Faculty of Humanities, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Education, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 133-149

Article history:

Received: 16 Apr 2021

Edition: 16 Jun 2021

Accepted: 10 Aug 2021

Published online: 26 Sep 2021

Keywords:

Development, Economic Development, Imam Ali (AS), Nahj al-Balaghah

Corresponding Author:

Sohrab Eslami

Address:

Department of Education,
Faculty of Humanities, Arak
Branch, Islamic Azad
University, Arak, Iran.

Orchid Code:

0000-0001-7039-5819

Tel:

09183666397

Email:

s-eslami@iau-arak.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Economic development is the concern of all schools and political systems. Given the importance of economic development, the present study examines its realization from the perspective of Imam Ali (AS).

Materials and Methods: The present study is of the basic type and method of collecting information with reference to jurisprudential sources and Nahj al-Balaghah. The method of data analysis is also inferential.

Ethical considerations: The writing of this article has been done by considering accurate and scientific principles for using resources.

Results: The realization of economic development requires the combination of opinion and action in the life of Imam Ali (AS) in the form of poverty and deprivation, justice, work and effort and human and moral development of society. Development can be a model for all when it promotes the spiritual and divine dimensions of human life and does not put worldly goals in opposition to human spiritual goals. This issue is evident in Nahj al-Balaghah as a model of economic development.

Conclusion: Development from the perspective of Imam Ali (AS) is focused on worldly and otherworldly happiness. Work and effort are very important in terms of quality. Justice and elimination of deprivations and creating welfare and equality for all are the pillars of economic development.

Cite this article as:

Rezaei H, Eslami S, Khosravi H. Realization of economic development from the perspective of Imam Ali (AS) with emphasis on Nahjul Balagha. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021; 3(3): 133-149.